

## آمار طلاق همچنان قد می‌کشد!

هنگامی که پای آمار موفقیت‌آمیز به میان می‌آید، بسیاری از مسئولان در قامت مدافع از کارکرد خود و مجموعه تحت امرشان درآمده و با آب و تاب از برنامه‌ریزی‌شان سخن می‌گویند...



سلامت نیوز: هنگامی که پای آمار موفقیت‌آمیز به میان می‌آید، بسیاری از مسئولان در قامت مدافع از کارکرد خود و مجموعه تحت امرشان درآمده و با آب و تاب از برنامه‌ریزی‌شان سخن می‌گویند؛ اما کافی است آمار روی ناخوش خود را نشان بدهد تا حتی یافتن یک خریدار برای آن - اگر نگوئیم غیر ممکن - دست کم به غایت دشوار شود؛ آماري مانند سقوط نرخ ازدواج در کنار رشد روزافزون طلاق که سال‌هاست به روند ثابت تبدیل شده، ولی هنوز مشتری ندارد!

روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها هر چه بیشتر روی هم تلنبار می‌شوند و هر قدر مرزهای تکنولوژی و دنیای جدید فراخ‌تر می‌گردند، مواهب دنیای مدرن نیز رنگی تازه می‌گیرند و جای خود را با مصائب این دنیا عوض می‌کنند. مواهبی که به مدد ظهور و بروز تکنولوژی‌ها و مکاتب مختلف طرحی نو از زیستن را برانگیختند و مصائبی که باز هم به همان مدد و یاری طرحی تازه از زیستنی دیگر را در انداخته‌اند. این‌گونه است شاید که پدیده‌های اجتماعی در دوران جدید را می‌توان به گونه‌ای دیگر بررسی کرد و با سیاقی تازه کند و کاو نمود.

طلاق

به این معنا که واکاوی‌های دیرین در امور اجتماعی که منجر به پدید آمدن آمارهای مختلف شده‌اند دیگر محلی از اعراب ندارند و آمارها را یکپارچه باید نو کرد و همه چیز را باید با در نظر گرفتن فصل تازه زندگی افراد بررسی کرد. در روزگار امروز به راستی این‌چنین است که بسیاری از ارزش‌ها ضد ارزش شده و بسیاری از ناهنجارها به هنجارهایی نو بدل گردیده‌اند.

فرو ریختن قبح ناهنجاری‌ها از همین رهگذر به سرلوحه‌ای بلند بالا تبدیل شده و دیگر زمان آن نیست که کسی بتواند با حرف‌ها و سخن‌های داغ و جنجالی چیزی را عوض کند و شرایطی را تغییر دهد! طلاق یکی از همین پدیده‌های اجتماعی است که در روزگاران نه چندان دور، به سختی بر زبان کسی رانده می‌شد و آنقدر قبح داشت که هر کسی نمی‌توانست آن را در دهان خویش بچرخاند و بگوید... نا هنجاری. چنان که مثل‌های بسیار برانگیخته بود و همین مثل‌ها نقل مجالس ازدواج بود. این ناهنجار اما در سال‌های اخیر به گونه‌ای دیگر رخ نموده است که بر زبانی اگر رانده شود، نمی‌گویند پشت ملائک به درد می‌آید! بلکه راهکاری جسته می‌شود برای خلاصی! زود هنگام آدم‌ها از یکدیگر. و این نه در طلاق‌هایی با بن بست واقعی در زندگی بلکه در مواردی است که طلاق واقعی مطرح نبوده است و ریشه در مشکلی دیگر دارد.

اگر چه آمارهای مربوط به طلاق به دلایل مختلف از جمله ثبت نشدن در دفاتر، جاری کردن صیغه شرعی طلاق بدون درج محضری و... با کم شماری مواجه می‌شوند و چندان قابل استناد نیستند، ولی بررسی همین آمار و محاسبه شاخص‌هایی چون نسبت طلاق به ازدواج و یا نسبت طلاق به کل جمعیت نشان دهنده آن است که این آمار طی سال‌های مختلف با نوساناتی روبه رو بوده است.

آمار نامطلوب طلاق در سال گذشته، 7 درصد افزایش داشته است. احمد توپسرکانی، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اعلام این خبر گفت: در سال گذشته، 151 هزار و 763 مورد واقعه طلاق در کشور ثبت شد که متأسفانه حکایت از آن دارد که از هر پنج ازدواج، یک مورد به طلاق منتهی می‌شود.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک، طی سال گذشته 791 هزار و 656 ازدواج از نوع دائم و موقت به ثبت رسیده که فارغ از مزوج بودن ازدواج نوع دائم با ازدواج‌های موقت، حکایت از روند نزولی آمار ازدواج دارد

بنابراین، با قیاس این آمار با آمار طلاق سال نود (139 هزار و 963 مورد) در خواهیم یافت که میزان شیوع طلاق افزایش 7 درصدی داشته است که با نیم نگاهی به آمار سال‌های پیش‌تر، حکایت از ثبات در روند رو به رشد طلاق در کشورمان خواهد داشت.

افزایش واقعه نامطلوب طلاق در حالی رخ می‌دهد که بر پایه آمار ثبت شده از رویداد ازدواج و شکل‌گیری نهاد خانواده، نرخ ازدواج در کشورمان طی سال‌های 87 تا 89 تقریباً روند ثابت و خطی را تجربه کرده و با کمال تأسف در سال 90 با سقوط روبه‌رو شده است؛ روندی نومیدکننده که گویا در سال 91 نیز تداوم یافته، چرا که بر اساس آمار ارائه شده از سوی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک، طی سال گذشته 791 هزار و 656 ازدواج از نوع دائم و موقت به ثبت رسیده که فارغ از ممزوج بودن ازدواج نوع دائم با ازدواج‌های موقت، حکایت از روند نزولی آمار ازدواج دارد.

### طلاق

بدین ترتیب آماری که پیش از این، تنها برای کلان‌شهر تهران بیان می‌شد، تبدیل به میانگین سراسری قیاس نرخ ازدواج و طلاق شده تا ببینیم که به ازای هر پنج ازدواج ثبت شده در کشور، یک طلاق نیز به ثبت می‌رسد؛ به عبارتی دیگر، بر پایه آمارهای ارائه شده، از هر پنج ازدواج یکی فرجام شوم می‌یابد که به زبان ریاضی، شکست 20 درصد ازدواج‌ها را نشان می‌دهد.

این اتفاق در حالی روز به روز تکوین یافته و بحران را تشدید می‌کند که از سال‌ها قبل و با توجه به پیشی گرفتن رشد نرخ ازدواج به نسبت نرخ طلاق، زنگ هشدار بحران به صدا درآمده بود؛ حال آنکه یکی از دلایل شکل‌گیری نهادهایی مانند وزارت ورزش و جوانان، سامان دادن مشکلاتی از این دست بوده است. چه بسا با چنین آمار نگران‌کننده‌ای در حوزه ازدواج، رشد واقعه نامطلوبی همچون طلاق - که از قضا متولی هم ندارد - بدیهی‌ترین رخدادی باشد که باید منتظر شنیدن آمارهای نگران‌کننده تر درباره آن باشیم!

همین نگاه آماری را اگر به سال‌های پیش رو تسری دهیم که بحران‌های اجتماعی آرام آرام در حال ایجاد سدی عظیم در برابر ازدواج هستند، طلاق خود بحرانی بزرگ خواهد شد که دیگر نمی‌توان جلوی موج سیل آسای آن را گرفت و حتی اگر متوقف شود، معضلات ناشی از آن را نمی‌توان به هیچ قیمتی کنترل کرد. در این میان اما برخی از کارشناسان وابسته به دولت که چندان هم مایل نیستند تا آمار واقعی از طلاق ارائه شود معتقدند که طلاق در ایران به نسبت سایر جوامع که آموزه‌های مذهبی را به شکلی که در ایران رعایت می‌شود، رعایت نمی‌کنند، بسیار کمتر است و اصلاً قابل مقایسه نیست.

اگر چه آمارهای مربوط به طلاق به دلایل مختلف از جمله ثبت نشدن در دفاتر، جاری کردن صیغه شرعی طلاق بدون درج محضری و... با کم شماری مواجه می‌شوند و چندان قابل استناد نیستند، ولی بررسی همین آمار و محاسبه شاخص‌هایی چون نسبت طلاق به ازدواج و یا نسبت طلاق به کل جمعیت نشان دهنده آن است که این آمار طی سال‌های مختلف با نوساناتی روبه‌رو بوده است

اما به نظر می‌رسد این مقایسه‌ای کارآمد و صحیح نیست چرا که بیشتر به توجیهی می‌ماند تا اهرمی برای پیشگیری از بحران. بررسی‌ها و شواهد جملگی نشان از آن دارند که اعتیاد، دخالت والدین و اطرافیان، خشونت و ضرب و شتم، سوءظن و بدبینی و نبود تفاهم و ... عواملی هستند که بیشترین مراجعه کنندگان برای اعلام درخواست طلاق، مطرح کرده‌اند یعنی عواملی که با یک حساب ساده و سرانگشتی می‌توان ریشه‌های آن را یافت. ریشه‌هایی که هر چند هرگز نمی‌توان آن‌ها را در روزگار کنونی افراد بررسی کرد اما می‌توان دانست که از کدام سو پدید آمده‌اند. بحران‌های اجتماعی سخت‌گیرانه خورده یکدیگرند و در این میان مجالی نیست تا از هم بازشناسی و تفکیک شوند. افزایش طلاق در کشور شاید هشداردهنده‌ترین بحرانی است که وضع نابسامان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بر گوش مسئولان ناقوس می‌کند. طلاق باید بیش از این جدی گرفته شود.

منابع: تابناک/روزنامه آفرینش